

تصویر زن در ادیان و مقایسه آن با اسلام

دکتر سید سعید گلزار پورصادقی^۱

مقدمه

هدف از نگارش این مقاله به تصویر کشیدن چهره ی «زن» در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام میباشد. در پی تحقق این منظور در این نوشتار کوشیده ام تا با ترسیم چهره ی زن در این ادیان به مصداق «تعرف الاشياء باضدادها» زیبایی و شکوه تصویری که اسلام از زن به نمایش می گذارد را تشریح نمایم. به همین دلیل این مقاله از سه بخش تشکیل گردیده، در طی این سه بخش، بطور مجزا موقعیت «زنان» در ادیان مذکور به تصویر کشیده شده است.

در بخش نخست مقاله، تصویر زن در دین یهود مورد بررسی قرار گرفته، نقش و جایگاه ایشان در آن دین ترسیم شده است. از آنجایی که دین یهود سرچشمه ی مسیحیت و اسلام بوده، روایات تورات از آفرینش عالم و آدم، و نیز رانده شدن وی از بهشت، مرجع و منبع روایات دیگر ادیان می باشد، این بخش مفصل تر نوشته شده، سعی گردیده تا این موضوعات به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

در بخش دوم مقاله، دیدگاه مسیحیت در ارتباط با مقام و موقعیت «زن» بیان شده، نقش و جایگاه زنان در این دین تشریح می گردد. البته از آنجایی که مسیحیت امتداد دین یهود بوده، انسان شناسی و کیهان شناسی اش برگرفته از آن دین می باشد به همین دلیل این فصل به اختصار برگزار شده است.

در بخش سوم مقاله، چهره ی زن در قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، زیبایی های تصویری روایت قرآنی در این زمینه، ویژگی ها و زبان زیبا و موجز همراه با تکریم قرآن کریم نسبت به زنان تبیین شده، نشان داده شده است که چگونه در ایامی که بشر از فرهنگ و اندیشه ی نوین بی بهره بوده، جامعه ی مرد سالار آن برای زن حقی قایل نبود و زنان در عداد اموال و بردگان محسوب می شد و قرن ها قبل از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن هم در سرزمینی که ساکنانش از اندیشه و تفکر فلسفی و حقوقی تهی بوده، شراب و شمشیر و زن تنها مفخر شان بود، قرآن با وضع احکامی مترقی در آن عصر جهل و جور، از حقوق زنان سخن گفته بود.

علاوه بر بیان موضوعات فوق، انگیزه ی دیگر نوشته شدن این مقاله - به اصطلاح علمای اصول «مفهوم» این مقاله - تبیین و تشریح اسرائیلیات - یعنی روایاتی که از متون یهودی در متون تاریخی و حتی تفسیری ما راه پیدا کرده اند - می باشد. یعنی پرداختن به مجعولاتی که گاهی علما و حتی عرفای ما بر مبنای آنها احکام ناپخته و نسنجیده ای در مورد زنان صادر کرده، چنین سروده اند: *زن از پهلوی چپ شد آفریده / کس از چپ راستی، هرگز ندیده (جامی).*

به هر حال، نگارنده سعی نموده است با نگاهی معرفت شناسانه با تبیین حقیقت از مجاز روایات را مورد نقد و بررسی قرار داده، با چیدن حقایق در کنار هم تصویری کامل و منظر نمایانه ارائه نماید. تا چه خوش آید و چه در نظر افتد.

تصویر زن در دین یهود :

همچنان که پیشتر گفته شد بررسی تصویر «زن» در دین یهود از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا، از یک سو به علت قرابت این دین با مسیحیت و اسلام، روایات تورات، منشاء بسیاری از روایات و اساطیر این دو دین را تشکیل می دهد، از سوی دیگر به علت سکونت یهودیان در منطقه ی عربستان - بیشتر در یمن و حجاز - و نیز داد و ستد های مسلمانان با یهودیان و نیز مسلمان شدن بعضی از علمای یهودی، روابط نزدیکی بین مسلمانان و یهودیان وجود داشته است که زمینه های تاثیر و تأثر را تقویت می نموده است. بر طبق روایات موجود، گویا زید بن ثابت به دستور پیامبر (ص) زبان عبری آموخته، همچنین نقل شده که ورقه بن نوفل زبان عبری می دانسته و به کتابت این زبان آشنا بوده است.

علاوه بر این، گویا مسلمانان صدر اسلام کما بیش به طور مستقیم یا به واسطه ی نو مسلمانان یهودی، حد اقل با بخش هایی از تورات آشنا بوده، حتی بنا بر یک روایت، خلیفه دوم با گرفتن تورات از یکی از دوستان یهودی خود به حضور پیامبر رسیده، اجازه ی قرائت آن را طلب می کند. در روایتی دیگر از سلمان نقل شده که تورات را مطالعه کرده و از مطالب آن آگاه بوده است. علاوه بر این، مفسرانی چون ابن عباس، قتاده، مجاهد، سعید بن جبیر، در نقل روایات تورات نقش بسیاری داشته اند.

در قرون سوم و چهارم هم در آثار مورخانی مانند : طبری، یعقوبی، مسعودی، ابن ندیم، بیرونی و مقدسی روایات قابل توجهی از تورات وارد شده، حتی طبری و یعقوبی در تواریخ خود داستان خلقت و قصص انبیاء را مطابق تورات آورده اند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که ظاهراً در سده های نخستین پس از اسلام، نسخه هایی از تورات به زبان عربی وجود داشته است که منبع آشنایی مسلمانان با اخبار و روایات یهودی بوده است.

با استناد به دلایل فوق که آشنایی مسلمانان را با روایات تورات مسجل می نماید، می توان گفت که تورات از منابع مهم مورخان و مفسران ما بوده که برای جبران ایجاز گویی قرآن کریم به روایات آن به عنوان مکمل و متمم روایات قرآنی می نگریسته اند. به همین دلیل باید گفت : برای پژوهشگران، آگاهی و اطلاع از روایات و اساطیر تورات ضروری و بایسته می باشد. مخصوصاً روایات مربوط به آفرینش حوا و چگونگی رانده شدنش از بهشت، موضوعاتی که زمینه ی سوء تفاهم ها و اختلافات بسیاری را فراهم نموده اند.

به همین دلیل در این بخش، به منظور ارائه ی مستندات برای مدعاهای خود، با تأکید بر روی سه مسأله ی اصلی آفرینش حوا، وسوسه و رانده شدنش از بهشت و نیز جایگاه «زن» در فقه یهود، تصویر زن را در تورات ترسیم نموده ام.

آفرینش انسان: بر طبق روایت تورات، انسان چون غایت آفرینش الهی می باشد در واپسین روز، یعنی روز ششم آفریده شده است. در این کتاب، ماده ی خلقت انسان خاک ذکر شده که از جای های مختلف زمین برداشته شده بود تا بر کلیت و جهانی بودن انسان دلالت کند. در این مورد در سفر پیدایش آمده است، پس از آنکه در روز های اول تا پنجم، روز و شب، آسمان، خشکی، دریا، ستارگان، حیوانات آفریده شدند، در روز ششم انسان خلق شد. (باب دوم) :

« .. آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت. سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به او جان بخشید، وی را در باغ عدن - واقع در شرق - جای داد ... سپس خداوند آدم را به خواب عمیقی فروبرد و یکی از دنده هایش را برداشت و جای آنرا با گوشت پر کرد و از آن دنده، زنی را سرشت». در مورد فلسفه خلق شدن حوا از دنده ی چپ آدم - دنده ی سیزدهم- در تلمود آمده است که خداوند فرمود: « من زن را از قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است می آفرینم تا آنکه موجودی عقیف و محجوب به بار آید». مسأله ی آفرینش حوا از دنده ی چپ آدم، منشاء مناقشات و مجادلات کلامی و فلسفی بسیاری گشته است که در صفحات آینده به آن خواهیم پرداخت.

هبوط

بر طبق روایت تورات (سفر پیدایش ۲ / ۸) محل سکونت اولیه ی آدم و حوا در باغ عدن بوده که خدا در آن تمام میوه ها را رویانده بود و ایشان مجاز به استفاده از همه آنها بودند به جز « میوه ی ممنوعه » که اجازه نداشتند به آن دست بزنند. اما با فریب خوردن حوا از شیطان، وی از دستور خداوند سرپیچی کرده میوه ی ممنوعه را تناول کرده، به شوهرش خوراند. در نتیجه، با آگاهی خداوند از این عصیان حوا، ایشان از بهشت رانده شده، حتی زمین هم به دلیل این حادثه، مورد لعنت خداوند قرار گرفت. « سپس خداوند به آدم فرمود چون گفته ی زنت را پذیرفتی و از آن میوه ی ممنوعه خوردی زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت را با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد پس خداوند او را از باغ عدن بیرون راند». (پیدایش ۳-۱۹-۱۷).

نتیجه ی منطقی این روایت آن است که باعث و بانی فریفته شدن و اخراج آدم از بهشت حوا بوده است. نکته ای که در فرهنگ ما به دلیل تکرار، از مقبولات شمرده شده و در مسیحیت «گناه ازلی» نام گرفته است. حادثه ای که بر طبق الهیات مسیحی به واسطه ی آن، گناه وارد عالم خاکی شده، فرزندان آدم به دلیل گناه پدر گناهکار به دنیا می آیند.

به دلیل همین روایات مجعول و ساختگی و بر اثر چنین پس زمینه های اسطوره ای است که در یهودیت تصویر بسیار منفی از زن ترسیم شده، به گونه ای که در تلمود زنان به صورت افرادی از لحاظ عقلانی کم ظرفیت، ظاهر پرست، خودشیفته، عاشق زیور آلات و علاقمند به جادوگری تصویر شده اند.

نگاه بدبینانه نسبت به زنان در دین یهود چنان شدید است که دعای برکت یهودیان که هر روز هر مؤمن یهودی موظف است آن را تلاوت کند با چنین عبارتی آغاز می شود « سپاس خدایی را که مرا یهودی خلق کرد، مرا برده و زن به دنیا نیاورد ». حتی در فقه یهودی احکام سخت گیرانه ای

نسبت به زنان اعمال شده، ایشان را از مردان فروتر شمرده، مردان را بر ایشان حاکم نموده اند. (پیدایش : ۳۱۶)؛ علاوه بر این حق طلاق از ایشان سلب شده، حتی مردان یهودی مجاز هستند که دختران خود را در برابر دیون خود به فروش برسانند (خروج ۲۱: ۷)؛ علاوه بر این از حق تعلیم محروم و از قرائت تورات معاف شده اند.

در آیین های عبادی یهودی هم زنان از شمار حد نصاب ده نفری که برای قرائت تورات لازم است، خارج بوده، رفتن به کنیسه ها و شرکت در نماز جماعت بر ایشان ممنوع است. حتی زنان موظف هستند که به کفاره ی گناه حوا شبیه ها، در هنگام برگزاری مراسم شباط شمع روشن کنند. حتی دوره ی پاکی زن یهودی که دختر زائیده است دو برابر یعنی ۶۶ روز است. علاوه بر این، در محاکم حقوقی یهودی هم شهادت زنان در کنار بردگان و کودکان پذیرفته نمی شود.

تصویر زن در مسیحیت

اگرچه مسیحیت در آغاز ظهور خود جنبشی تساوی طلبانه بود که در آن زنان نقش مهمی داشتند. مسیح در امر تبلیغ دین، زنان را سهیم کرده، در امور اجتماعی و مذهبی نقش های مهمی بر عهده ی شان گذاشت، اما متأسفانه در الهیات مسیحی با گره خوردن سرنوشت انسان با گناه حوا، زنان به عنوان حاملان و وارثان گناه معرفی شده، چهره ای منفی پیدا نمودند. بنیانگذار الهیات مسیحی یعنی پولس رسول در این ارتباط می گوید: « خداوند اول آدم را آفرید و بعد حوا را، آدم فریب نخورد بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار شد، از این جهت خدا درد زایمان را به حوا داد...» (رساله اول پولس به تیموتائوس). در ادامه ی چنین دیدگاه منفی نسبت به زن، ممنوعیت تعلیم دهنده بودن زن در انجیل اشاره شده، آمده است: « زن را اجازه نمی دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود، بلکه در سکوت بماند » (رساله اول پولس به تیموتائوس : آیه : ۲۰). در جای دیگر انجیل به نقل از پولس رسول آمده که گفته است: « ای کاش همه می توانستند مثل من مجرد باشند » (نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس : آیه ۸)؛ و یا « اگر کسی اراده محکمی دارد که ازدواج نکند تصمیم عاقلانه ای گرفته است، پس کسی که ازدواج می کند کار خوبی می کند و کسی که ازدواج نمی کند کار بهتری می کند. » (پیشین باب ۷ ، آیه : ۲۸). در جای دیگر از انجیل آمده است که: « مرد جلال و شکوه خداوند است و به شکل خدا آفریده شده است و زن ، جلال و شکوه مرد است. اولین مرد از زن به دنیا نیامد بلکه اولین زن از مرد به وجود آمد، آدم برای حوا آفریده نشد، بلکه حوا برای آدم آفریده شد. » (پیشین : باب ۱۱ ، آیه ۹). شاید به همین دلیل است که اساس الهیات مسیحی بر فرودستی زنان و برتری و ریاست مردان در نظام آفرینش مبتنی است. بنابر این نظریه، برتری مذکر امری ذاتی است و اراده خداوند هم بدان تعلق گرفته است. هرگونه تلاشی جهت واژگونی این نظام خواه با اعطای استقلال به زنان یا دادن حقوق مساوی به آنان طغیان و شورش علیه خدا محسوب گشته، در جامعه ی انسانی آشوب های اجتماعی و اخلاقی ایجاد خواهد کرد. این اندیشه که برتری مردان، ذاتی نظام خلقت است معمولاً این پیش فرض را با خود همراه دارد که خدا مذکر است در نتیجه چنین دیدگاهی اقتدار مطلق

مردان را به عنوان شوهران و پدران برای زنان و فرزندان ایجاب می کند. پس بر طبق این دیدگاه ارتباط میان زن و مرد ارتباطی است از نوع اطاعت و فرمان. در نتیجه زنان نباید در پندار و رفتار خود مستقل عمل کنند، بلکه باید مقلد و تابع مردان باشند. این طرز تلقی ناشی از این امر است که زنان از لحاظ اخلاقی، هستی شناختی و عقلی از مردان پایین تر بوده، از تمامی جنبه ها نسبت به مردان از توانایی کمتری برخوردار هستند. به جهت همین فرودست بودن است که اگر مستقل عمل کنند، گناه کرده اند. زیرا زن منشاء گناه بشریت بوده، با مستقل عمل کردن باعث هبوط بشریت شده است.

بر مبنای این تصورات است که در اخلاق مسیحی به زن به عنوان موجودی خودسر، لجباز، فریبنده، احساساتی و فاقد اعتماد به نفس، در نتیجه موجودی که باید کنترل شود تا مبادا فضایل و عقلانیت مردان را از بین ببرد، نگریسته می شود. ویل دورانت مورخ بزرگ معاصر تصویر زن در مسیحیت را با کوتاه ترین عبارت، به زیبایی چنین توصیف نموده است: «در نظر کشیشان و متألهان مسیحی، مقام زن عبارت بود از «شری ضروری»، وسوسه ای طبیعی، مصیبتی شیرین، خطری خانگی، جذبه ای مهلک و آسیبی رنگارنگ، زن هنوز همان حوای مجسم در همه جا بود که آدم را از فردوس برین محروم ساخت. هنوز ابزار مطلوبی بود در دست شیطان برای اغفال مردان و فرستادن آنها به دوزخ!». شاید به دلیل همین افراط های مسیحیان در سال ۱۹۹۵ میلادی پاپ ژان پل دوم با صدور «اعلامیه ای خطاب به زنان عالم» از همه ی ظلم هایی که کلیسا در حق زنان روا داشته بود، طلب بخشش نمود.

تصویر زن در اسلام

پیش از ورود به بحث تصویر زن در اسلام، لازم است به چند نکته ی مهم اشاره نمایم. نخست در این نوشتار تلاش نموده ام تا تصویر زن را در قرآن و نه در اسلام، به نمایش بگذارم. زیرا به مصداق «چونکه صد آمد نود هم پیش ماست» معتقدم که قرآن کریم، کلام الله، در نتیجه معتبرترین منبع فهم دینی مسلمانان می باشد. از سوی دیگر استناد به اخبار و روایات به دلیل گستردگی و احیاناً تعارض شان مجال ویژه ای را می طلبد که در اینجا به علت محدودیت، میسر و ممکن نمی باشد.

دوم: در این بخش تمرکز اصلی ام بر روی دو موضوع بوده است: نخست «مسأله آفرینش» تا به مصداق «تعرف الاشیاء باضدادها» بی پایه بودن افسانه های تورات را نشان دهم و دیگر تبیین جایگاه و نقش زن در قرآن، که به طور اجمال مورد بررسی قرار داده ام.

سوم: بار دیگر باید تأکید و تکرار نمایم که یکی از اهداف اصلی و شاید مهم ترین هدف نگارش این مقاله آن بوده تا نشان دهم تصویر منفی که از زن در فرهنگ ما وجود دارد، بیشتر ناشی از رسوخ و نفوذ اسرائیلیات است که به سبب شدت گسترش گاهی به صورت مسلمات درآمده اند.

چهارم : معتقدم در تبیین این موضوعات باید از افراط و تفریط پرهیز نموده، تفاوت های ماهوی زن و مرد که در عملکرد و نقش های سیاسی، اجتماعی و دینی شان بروز می یابد، لحاظ نمود، یعنی به جای « تساوی » به دنبال « تعادل » بود.

برای هرچه بهتر ترسیم نمودن چهره زنان در قرآن ناچارم که به دوره ی قبل از اسلام، « عصر جاهلیت » باز گردم و موقعیت زنان را در پی ظهور اسلام در بین اعراب بررسی نمایم تا مترقی بودن تعالیم و احکام قرآنی در این زمینه بهتر فهمیده شود. هم زمان با پیدایش اسلام، سطح فرهنگ قوم عرب بسیار نازل بوده، از علوم و هنر بی بهره بودند و همه ی نیروی ایشان صرف برآوردن نیاز های مادی می شد.

آیین اعراب جاهلیت، فلسفه شان در چند عبارت حکیمانه خلاصه می شد. از ادبیات مکتوب بی بهره بوده، بت پرستی در میان ایشان رواج داشت. تقریباً هر قبیله خدایی خاص داشت که محور زندگی دینی و معبود بلا واسطه ی ایشان به شمار می رفت.

در این جامعه عاری از فرهنگ، وضعیت زنان بسیار اسفناک بود. ایشان از حقوق اولیه ی انسانی بی بهره بودند و مانند کالا داد و ستد می شدند، نه تنها مالک اراده و اعمال خود نبودند، بلکه از میراث بهره ای نداشته، پس از مرگ یکی از ورثه، زن را مانند اموال به ارث می برد. جند همسری در میان مردان رواج داشت. دختران از ارث حقی نداشتند. یکی از زشت ترین رسوم اعراب جاهلی که مخصوصاً در بین دو قبیله ی اسد و بنی تمیم رواج داشت، زنده به گور کردن دختران بود. این رسم جنون آمیز یا به دلیل ترس از فقر بود یا بدان دلیل بود تا دخترانشان در جنگ به اسارت دشمن در نیایند. قرآن کریم در سوره ی نمل، احساس مردان زمان جاهلیت را نسبت به دختران شان چنین بیان می فرماید : « و إذا بشر أحدهم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم

یتواری من القوم من سوء ما بشر به أی مسکه علی هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون ». (آن هنگام که مزده ی تولد دختری به یکی از ایشان داده می شد از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده، سخت دلتنگ می شد و به دلیل این ننگ روی از قوم خود پنهان می نمود و به فکر می افتاد که آیا دختر را به با ذلت و خواری نگه دارد یا آنکه زنده در گور کند. آگاه باشید که آنها بسیار بد حکم می کنند. قرآن کریم در آیات دیگری هم اعراب را از کشتن دختران نهی کرده، حتی در آیات ۸ و ۹ سوره ی تکویر خشم خداوند از این عمل شوم، تجلی یافته است آنجایی که می فرماید:

« و إذا الموءده سئلت بأی ذنب قتلت ». (هنگامی که از دختران زنده به گور باز پرسند که به چه گناهی کشته شدند؟) با توجه به وجود چنین پس زمینه ای فرهنگی در میان اعراب می توان به اهمیت کار اسلام در تغییر نگرش اعراب نسبت به زنان پی برد و اینکه چگونه در آن زمان، اسلام با عملی انقلابی رسوم جاهلی را یکی پس از دیگری از بین برده، منسوخ نمود.

قرآن و مسأله آفرینش آدم و حوا :

پس از ذکر این مقدمات و برای تبیین بهتر موضوع، تصویر تاریکی که تورات از خلقت و مخصوصا خلقت حوا ارائه می دهد با تصویر درخشان و متعالی قرآن مقایسه می نمایم. همچنان که قبلا ذکر شد، در حالی که تورات، حوا را به عنوان موجودی تبعی و ثانوی که از دنده ی چپ آدم خلق شده، در خلقت از آدم فروتر بوده و با خوردن میوه ی ممنوعه باعث رانده شدن آدم از بهشت گردیده معرفی می کند، در مقابل قرآن کریم، تصویری بسیار زیبا از آفرینش آدم ارائه داده، برآن است که آدم و حوا هر دو از یک گوهر آفریده شده، از لحاظ گوهر وجودی هیچ اختلافی میان ایشان وجود ندارد، بلکه تنها در اوصاف کسبی و اخلاق تحصیلی از یکدیگر متمایز هستند. به همین دلیل مشاهده می کنیم که مسأله آفرینش حوا از عضوی از بدن آدم در آیات و شواهد قرآنی جایگاهی نداشته، بلکه در قرآن کریم در خطاب به آدمیان آمده که خدا شما را از « نفسی واحد یا نفس واحده » آفریده است.

در این ارتباط، در آیه ی نخست سوره ی نساء خداوند می فرماید: « **یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا** » و نساء " «. بر اساس این آیه می توان استدلال نمود که اولاً: همه انسان ها از یک صنف خلق شده، مبداء آفرینش همه انسان ها یک چیز است. ثانیاً: حوا از همان گوهری آفریده شده که آدم از آن خلق شده است و نه فرع و زائد بر او، بلکه خداوند اولین زن را از همان گوهر اصلی آفریده است که همه ی مردها و زن ها را از همان اصل خلق کرد. همین نکته و تعبیر «نفس واحده» عیناً در سوره های اعراف و زمر هم تکرار شده است.

علاوه بر این، در روایات منقول از ائمه هم بر این نکته اشاره شده است، از جمله در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) آمده است که در پاسخ به پرسش یکی از یاران خود در مورد خلقت حوا فرمود: « خداوند از چنین نسبتی هم منزّه است و هم برتر ». بنابر این بر اساس آیات و روایات فوق می توان نتیجه گرفت که در قرآن کریم، آفرینش زن و مرد از یک گوهر دانسته شده، در نتیجه هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نبوده و اگر برخی از روایات عهده دار اثبات این مزیت اند، یا از لحاظ سند نا رسا هستند و یا از جهت دلالت ناتمام.

قرآن و مسأله ی **وسوسه حوا و خروج آدم از بهشت**: مسأله ی دیگری که تورات بدان پرداخته و در سنت یهودی و مسیحی سرآغاز یک سلسله بحث های کلامی و نیز بدبینی نسبت به زنان گردیده است، مسأله ی فریفته شدن حوا توسط شیطان و سر پیچی از فرمان خداوند در خوردن میوه ی ممنوعه می باشد. بر اساس این روایات، ابلیس با قرار گرفتن در دهان مار، حوا را وسوسه نموده، او را به خوردن میوه ی ممنوعه تشویق کرد و حوا هم با خوردن این میوه « روضه ی رضوان به دو گندم بفروخت».

اما در برابر این خیال پردازی های تورات می بینیم که قرآن کریم در هر جایی که بحث فریفته شدن آدم و حوا را مطرح کرده، هردوی ایشان را در این ترک اولی همسان دانسته است. ضماین تشبیه ای که در این ارتباط به کار رفته بهترین گواه این مدعا است. به عنوان مثال در آیه ی ۲۰ سوره ی اعراف آمده است: « **فوسوس الیهما الشیطان** ». « شیطان آن دو را وسوسه کرد ».

قرآن کریم علاوه بر تطهیر چهره ی زن و زدودن غبار های خرافه و افسانه، تلاش نموده تا از لحاظ سیاسی و اجتماعی هم جایگاه زنان را ارتقاء بخشد. بنابر این در پی تحقق این امر، قرآن حقوق حقه زنان را- با توجه به محدودیت ها و موانع جامعه ی مرد سالار آن دوره- تحکیم و تثبیت نموده، جایگاه و مقام زن را با وضع یک سلسله احکام بهبود بخشید.

از آنجایی که برای جامعه ی مردسالار عربستان تعالیم و احکام متعالی قرآن راجع به حقوق زنان ثقیل و ناهنجار می نمود، برای پرهیز از ایجاد تنش و در نتیجه بی اثر شدن آن، قرآن به صورت تدریجی مبادرت به این کار نمود. لذا در مرحله ی نخست با زدودن روایات زن ستیزانه ی تورات در مورد آفرینش «زن»، زن و مرد را صاحب یک نفس و یک شخصیت معرفی نموده، بر عدم تفاوت ایشان در آفرینش پای فشرده. در مرحله ی بعد حقوق مردان و زنان را در عرض حقوق خود قرار داده، مردم را به رعایت حق الله و حق الناس ملزم نمود.

علاوه بر این، خداوند با تأکید بر حق مالکیت زنان، به مردان دستور داد که مهریه ی زنان را در اختیار ایشان قرار دهند، نیز با شخصیت بخشیدن به زن وی را از نظر حقوقی شریک مرد قرار داده، آنها را از حقوق انسانی و مالی بهره مند ساخت. در مرحله ی بعد رسوم دست و پاگیر و مرتجعانه ی جاهلیت مانند: منع ارث بردن زنان، سخت گیری بر ایشان برای اخذ مهریه نسخ گردید. از سوی دیگر با نزول آیاتی که تصریح می کند که زنان تنها وسیله ای برای ارضای امیال جنسی نیستند و با آوردن اصطلاحاتی همچون زنان و مردان لباس و مایه آرامش یکدیگر هستند، مقام زنان را به جهت برقراری آرامش و ثبات در کانون خانواده و حفظ حیات نوع بشر ارج گذارد.

منابع:

- ۱- باغستانی، اسماعیل، «تورات در سنت اسلامین»، جستارهایی در باب بنی اسرائیل، تورات و تلمود، تهران، کتاب مرجع، ۱۳۸۶.
- ۲- تکمیل همایون، ناصر، «بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران»، جستارهایی در دین، روانشناسی، انسان شناسی، (مجموعه مقالات، تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱).
- ۳- جلالی مقدم، مسعود، کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، تهران، رجاء، ۱۳۷۴.
- ۵- دورانت، ویل، مشرق زمین گهواره تمدن، گروه مترجمان، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۶- رویتر، رزماری، «زن در مسیحیت»، ترجمه سید حسین عظیمی دخت، مجله ی هفت آسمان، شماره هجدهم، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۷۷-۲۱۳.
- ۷- سلیمانی، حسین، ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود، مجله هفت آسمان، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، صص ۷۶-۱۰۰.

- ۸- عنایت الله، شیخ، «تفکر اعراب در دوران جاهلیت»، ترجمه، حسین معصومی همدانی، تاریخ فلسفه در اسلام، جلد اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، صص ۱۷۹-۱۹۵.
- ۹- ضیف، شوقی، تاریخ ادب عربی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوز لو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۰- کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۱۱- محمد قاسمی، حمید، اسرائیلیات و تاثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- ۱۲- وکیلی، الهه، نگرش تطبیقی «زن» در آئینه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۱۳- قران کریم.
- ۱۴- کتاب مقدس.

13- Fishbane, michel, "Eve", *The Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, New york, 1987, vol.1.

14- Bowker, john, "woman", *The Oxford Dictionary of World's Religion*, oxford, 1999.